

## نقش دگرگونی روایات فریقین، در آسیب به آموزه‌های اساسی مهدویت

خدا مراد سلیمیان<sup>۱</sup>

### چکیده

در میان انبوه سخنان معصومان علیهم‌السلام، روایات مهدویت به عنوان باوری تأثیرگذار در میان باورهای اسلامی همواره مورد اهتمام بزرگان بوده است. در این احادیث اگرچه شمار فراوانی صحیح و معتبر می‌نماید؛ گاهی با انگیزه‌هایی چون بهره‌مندی از منافع مذهبی، سیاسی، فرقه‌ای و قومی، بزرگداشت خود و گاهی نیز با پندار رونق‌بخشی به دین و ارزش‌های الهی، در سند و متن، برخی دگرگونی‌ها ایجاد شده است.

بی‌گمان شمار حدیث‌های «دست‌کاری شده» در برابر روایات «سالم‌مانده»، اگرچه اندک می‌نماید؛ این اندک نیز به‌ویژه در آموزه‌های اساسی بسیار بوده و آسیب‌هایی را در پی داشته‌اند. تحقیق پیش رو در پاسخ به این پرسش که اساسی‌ترین عامل مؤثر بر آسیب به آموزه‌های اساسی مهدویت کدامند؛ با بررسی شمار فراوانی از احادیث به این نتیجه رسیده است که ایجاد دگرگونی در روایات، برجسته‌ترین عامل در آسیب به روایات مهدویت است. در این نوشتار با بازپرداخت به بررسی‌های سندی و دلالتی برخی روایات -که البته پیش‌تر اندیشورانی به آن پرداخته‌اند- این نقش بازنمایی شده است.

**کلیدواژه‌گان:** روایات فریقین، مهدویت، آموزه‌های اساسی، آسیب‌های مهدویت.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران kh.salimian@isca.ac.ir

## مقدمه

پس از آیات قرآن، «حدیث» برجسته‌ترین سرچشمه برای دریافت آموزه‌های دینی است. مسلمانان از سال‌های نخست اسلام تا اکنون، به نگهداری و نقل حدیث اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. با این حال، این گنجینه در گذر زمان پدیده‌های تلخ و شیرینی را به خود دیده است.

بی‌گمان شمار حدیث‌های «دست‌کاری شده» در برابر روایات «سالم‌مانده»، اگرچه اندک می‌نماید؛ در مواردی که احادیث، آموزه‌های اساسی را بنیان می‌نهند، دست‌کاری در آن‌ها آسیب‌های بزرگ و فراوانی را در پی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که به روشنی می‌توان گفت از تلخ‌ترین پدیده‌های تاریخ اسلام، ایجاد دگرگونی در سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است که در حقیقت به مثابه تیشه‌هایی است که همواره در حال ضربه زدن به ریشه‌های آموزه‌های اسلام و از بین بردن بنیان‌های عقیدتی و اخلاقی آن است.

در میان انبوه سخنان معصومان علیهم‌السلام؛ روایات مهدویت، به عنوان باوری تأثیرگذار در میان باورهای اسلامی، هیچ‌گاه از این دگرگونی در احادیث، در امان نبوده، دچار آفت‌ها و آسیب‌های شده‌اند؛ به گونه‌ای که کم‌وبیش امروزه برخی از آموزه‌های اساسی آن از این تغییرات متأثر شده‌اند.

بررسی «انگیزه‌ها»، در پاسخ به «چرایی‌های دگرگونی و دستبرد در حدیث»؛ «تبیین نمودها» در پاسخ به «چگونگی‌های آن» و «بررسی آسیب‌ها»، در پاسخ به «چیستی پی‌آمدهای آن»؛ حقایق ناگواری را در این گستره به دست می‌دهد که برجسته‌ترین آن‌ها تضعیف بنیان‌های اساسی و آسیب به آموزه‌های مهدویت است. در این‌جا مقصود از دگرگونی در روایت، هرگونه کم‌کردن، افزودن و جابه‌جا کردن واژگان روایت است؛ به گونه‌ای که انتساب قطعی الفاظ و ترکیب سخنان را به معصوم علیهم‌السلام امری نادرست نمایاند.

باید توجه داشت میزان آسیب‌های وارد شده به آموزه مهدویت بر اساس جایگاه روایت مخدوش، به میزان دگرگونی در آن روایت بستگی مستقیم دارد. البته در این میان برخی دگرگونی‌ها چندان دارای اهمیت نیست و بر آن موضوع نیز تأثیر خاصی نگذاشته‌اند؛ تأثیر گذاری آن‌ها، گویای بایستگی هرچه بیش‌تر به نقل دقیق سخنان معصومان علیهم‌السلام است.

بررسی فراوانی این دگرگونی‌ها در نقل روایات در منابع روایی مهدویت در دو گستره روایات مربوط به خود حضرت و نیز مباحث پیرامونی آن حضرت و نیز پیامدهای آن؛ این دیدگاه را که بی‌تردید در

نقل روایات مهدویت تغییراتی صورت گرفته است، امری مسلم می‌نمایند و البته این دگرگونی‌ها بر آموزه‌های مهدویت نقش تأثیرگذاری داشته‌اند.<sup>۱</sup> از برجسته‌ترین آن‌ها، به تمسک مدعیان دروغین به این روایات،<sup>۲</sup> عدم انسجام بایسته میان روایات همسو، پدیدآمدن ناهماهنگی در برخی آموزه‌های مهدوی<sup>۳</sup> و در نهایت کم‌شدن اعتماد به روایات مهدوی، می‌توان اشاره کرد.

در مورد نقش این دگرگونی‌ها در آموزه‌ها و آموزه‌سازی‌های مهدوی، به نظر می‌رسد فضای غالب گفته‌ها و نوشته‌ها به این سو است که چندان اهمیتی به این تغییرات دیده نمی‌شود (آثاری مانند الهدایه الکبری، نگاشته حسین بن حمدان خصیبی (متوفای ۳۳۴ق)؛ مشارق انوار الیقین، اثر رضی الدین حافظ، رَجَب بن مُحَمَّد بن رَجَب بُرْسِی (حدود ۷۴۳ - ۸۱۳ ق)، نجم الثاقب در احوال امام غایب عجل الله تعالی فرجه نوشته میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰ق)؛ بشارة الإسلام فی علامات المهدی عجل الله تعالی فرجه، نوشته سید مصطفی کاظمی (متوفای ۱۳۳۶ق)؛ العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان، نوشته علی اکبر نهبوندی (متوفای ۱۳۶۹ق)؛ يوم الخلاص فی ظل القائم المهدی عجل الله تعالی فرجه اثر نویسنده جبل عاملی، کامل سلیمان؛ بیان الائمة للوقایع الغریبة و الاسرار العجیبة، نوشته محمد مهدی زین العابدین. کسانی نیز روایاتی را با هر میزان دگرگونی نسبت به نقل‌های نخستین، مبنای بحث‌های خود قرار می‌دهند و این خود آموزه‌های مهدوی را دست‌خوش تغییراتی کرده است.

در این‌جا بدون این‌که کسی به‌طور مشخص به ایجاد دگرگونی در روایات متهم شود، به برخی از کتاب‌هایی که خواسته یا ناخواسته برخی روایات مهدوی را با برخی دگرگونی‌ها نقل کرده‌اند، اشاره می‌شود:

– **الهدایه الکبری**: نگاشته حسین بن حمدان خصیبی، از غالیان شناخته‌شده و از راویان بزرگ و باورمند به امامت امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام، در دوره غیبت صغرا و سال‌های آغازین غیبت کبرا است که در عین حال، مورد احترام فراوان فرقه نصیریبه نیز می‌باشد. خصیبی دارای برخی اندیشه‌هایی بوده که وی را از امامیه جدا می‌کرده است. از این رو دانشمندان رجالی متقدم وی را به شدت تضعیف

۱. عاملی، جزیره خضرا در ترازوی نقد، ص ۶۳.

۲. فروشانی، حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایه الکبری، طلوع، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۱۶.

۳. نجفی، منتخب الانوار المضية، ص ۱۵۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳، ج ۵۳، ص ۳۲۴؛ طبسی، تا ظهور، ج ۲، ص ۴۶۰ و صدر، تاریخ الغیبة الصغری، ج ۲، ص ۶۴ ص ۶۵ و ص ۶۷.

کرده‌اند، و از متأخران، صاحب ریاض العلماء بر این باور است که همه رجالیان به بدترین گونه ممکن بر او طعن زده و به دروغ‌گویی و انحراف و دیگر عیوب او اشاره کرده‌اند؛<sup>۱</sup>

- **اثبات الوصیه:** نجاشی این کتاب را به علی بن حسین مسعودی (متوفای ۳۴۶ق) تاریخ‌نگار شناخته شده و نگارنده کتاب تاریخ عمومی مروج الذهب، نسبت داده است<sup>۲</sup> و دیگران از وی نقل کرده‌اند؛ اما امروزه، برخی پژوهشگران این انتساب را نپذیرفته‌اند و مؤلف آن را کسی غیر از مسعودی، صاحب مروج الذهب دانسته،<sup>۳</sup> و نویسنده آن را شخصی امامی مذهب در همان دوره می‌دانند. از کسانی که در دوران متأخر بر این باور است که کتاب «اثبات الوصیه»، نوشته مسعودی است، به میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰ق) می‌توان اشاره کرد؛

- **کفایة الأثر:** نوشته ابوالقاسم، علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی از چهره‌های دانشمند و از راویان مشهور و معتبر و از علما و فقهای بزرگ شیعه در نیمه دوم قرن چهارم هجری است که به زبان عربی و در موضوع امامت نگاشته شده است؛

- **شرح الاخبار:** این کتاب اثر قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی (متوفای ۳۶۳ق)، پایه‌گذار فقه اسماعیلی و فقیهی بزرگ، در تاریخ اسماعیلیه است. که با توجه به دیدگاه مؤلف آن، به‌طور عمده روایات را بر پایه دیدگاه خاص (شیعه اسماعیلی) خود نقل کرده است؛

- **روضه الواعظین و بصیرة المتعظین:** این کتاب اثر ابو علی، محمد بن حسن فتال نیشابوری (شهادت ۵۰۸ ق) معروف به ابن فتال و ابن فارسی، از علمای قرن پنجم و ششم هجری است؛ که موضوع آن به‌طور عمده اصول عقاید و اخلاق و آداب و زندگینامه و فضائل معصومان علیهم‌السلام است؛<sup>۴</sup>

- **دلایل الامامه:** این کتاب به ابو جعفر، محمد بن جریر بن رستم طبری آملی مازندرانی، از چهره‌های برجسته علمای شیعه در قرن چهارم هجری منسوب است؛

- **اعلام الوری بأعلام الهدی:** این کتاب نوشته امین الاسلام، فضل بن حسن طبرسی، (متوفای ۵۴۸ ق) در مورد شرح حال و زندگی‌نامه و فضایل چهارده معصوم علیهم‌السلام است؛

۱. افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۵۱.

۲. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۲۵۴، ش ۶۶۵ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۵۹.

۳. جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم‌السلام، ص ۲۰.

۴. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۱.

- الخرائج و الجرائح: کتاب مذکور اثر قطب الدین، ابو الحسن یا ابو الحسین، سعید بن عبد الله بن حسین بن هبة الله بن حسن راوندی کاشانی، عالم بزرگ، محدث، مفسر، متکلم، فقیه، فیلسوف و تاریخ دان بزرگ شیعه امامیه<sup>۱</sup> (متوفای ۵۷۳ ق) می‌باشد.<sup>۲</sup> این اثر بیش‌تر به بیان معجزات پیامبر گرامی ﷺ و ائمه معصومان علیهم‌السلام پرداخته است؛

- الإحتجاج: این کتاب نوشته ابو منصور، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی است که ابن شهر آشوب به جای احمد بن علی بن ابی طالب از وی به احمد بن ابی طالب یاد کرده است.<sup>۳</sup> در این کتاب بحث‌ها و احتجاج‌های معصومان علیهم‌السلام و بزرگان دین با مخالفان در موضوعات گوناگون گردآوری و تحلیل شده است؛

- کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم‌السلام: اثر علی بن عیسیٰ اربلی، از علمای سده هفتم هجری (متوفای ۹۲ق) از مشهورترین کتاب‌هایی است<sup>۴</sup> که در موضوع زندگینامه و فضایل پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت آن حضرت به رشته تحریر در آمده است؛

- مختصر البصائر: گفته شده، این کتاب اثر حسن بن سلیمان حلّی، منتخبی از بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری است؛ اما نسخه چاپی این کتاب با این جمله آغاز می‌شود: «از کتاب مختصر بصائر الدرجات سعد نقل می‌کنم...» و بعد به ذکر روایت می‌پردازد؛

- منتخب الانوار المزیئه فی ذکر القائم عجل‌الله‌فرجه: این کتاب اثر سید علی بن عبدالکریم نیلی نجفی است، از دانشمندان سده نهم هجری که در اثبات امامت امام عصر عجل‌الله‌فرجه و بیان ظهور و شرایط آن نوشته شده است؛

- مدینه المعاجز: مدینه معاجز الأئمة الاثني عشر و دلائل الخجج علی البشر مشهور به «مدینه المعاجز» کتابی است اثر عالم شیعی، سید هاشم بحرانی که در مورد معجزات ائمه اثنا عشر شیعه و به زبان عربی نگارش یافته است؛

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۳۴.

۲. رک: پیشین، ج ۱۰۴، ص ۱۸.

۳. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۶۱.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۸.

- **مشارق انوار الیقین:** مشهورترین و برجسته‌ترین اثر عارف و عالم شیعی، رضی الدین حافظ، رجب بن محمد بن رجب بُرسی (حدود ۷۴۳ - ۸۱۳ق). نام کامل کتاب، مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام است که به شرح و تفسیر مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام، به‌خصوص امیرمؤمنان علی علیه السلام، پرداخته است. بُرسی که از زندگانی او اطلاع چندانی در دست نیست، در این اثر، روایات خاصی که به فضایل پیشوایان معصوم علیهم السلام مربوط بوده، نقل کرده است؛ روایاتی که پیش از او کم‌تر بدان‌ها توجه شده و برای کسانی که پس از او آمدند، منبع و مرجع برجسته‌ای شده است. در مورد کتاب و نویسنده و نقد آن دو، مقالاتی نگاشته شده که از آن‌ها می‌توان به مشارق انوار الیقین فی حقایق اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام و مؤلف آن، نگاشته غلامرضا گلی زواره قمشه‌ای، در "کتاب ماه دین" فروردین ۱۳۸۰، شماره ۴۱ و ۴۲، از صفحه ۲۶ تا ۴۳ و معرفی مشارق انوار الیقین، اثر مسعود بید آبادی، نگاشته در "علوم حدیث"، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۲۲، از صفحه ۱۳۴ تا ۱۶۹ اشاره کرد.

### برخی از منابع معاصر (۲ قرن گذشته):

- **نجم الثاقب در احوال امام غایب علیه السلام:** کتاب نوشته میرزا حسین نوری (متوفای ۱۳۲۰ق) است که به سفارش میرزای بزرگ شیرازی<sup>۱</sup>، در شرح حال و زندگی‌نامه امام مهدی علیه السلام، در دوازده باب به نگارش درآمده است؛

- **إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام:** نوشته شیخ علی بن زین العابدین پارچینی یزدی حایری (متوفای ۱۳۳۳ق) کتابی است در شرح احوال امام زمان علیه السلام و اثبات وجود آن حضرت، فضایل امامان دوازده‌گانه علیهم السلام و شرح غیبت صغرا و کبرای آن امام و نیایان خاصشان، علائم ظهور او و رویدادهای پس از ظهور و رجعت پیامبران و امامان علیهم السلام و...؛

- **بشارة الإسلام فی علامات المهدي علیه السلام:** نوشته سید مصطفی کاظمی (متوفای ۱۳۳۶ق)، و با تحقیق نزار نعمت الحسن که در سال ۱۴۲۵ هجری منتشر شده است؛

- **العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان:** از دیگر کتاب‌هایی که در دوران معاصر از شهرت فراوانی برخوردار شده است اثر مذکور، نوشته علی اکبر نهانندی (متوفای ۱۳۶۹ق) است که وی آن را به منزله جلد دوم از انوار المواهب دانسته است؛

۱. نوری، نجم ثاقب در احوال امام غایب علیه السلام، ج ۱، ص ۱۱۶.

- **يوم الخلاص في ظل القائم المهدي** عليه السلام: نویسنده کتاب، کامل سلیمان، نویسنده جبل عاملی است. کتاب در یک جلد نگاشته شده است. ترجمه فارسی این کتاب با نام «روزگار رهایی» است، به قلم علی اکبر مهدی پور. این کتاب به دلیل وجود متن عربی بسیاری از روایات، در دو جلد منتشر شده است؛

- **بيان الأئمة للوقایع الغریبة و الاسرار العجیبة**: نوشته محمد مهدی زین العابدین، از دیگر منابع روایی معاصر است که نویسنده در این اثر تلاش کرده است پیشگویی‌ها و وقایع غریب و اسرار عجیب در آخرالزمان را گردآوری کند؛

- **عقائد الامامیه الاثنی عشریه**: این کتاب نوشته سید ابراهیم احمدی، مشهور به موسوی زنجانی (متوفای ۱۳۷۸ ش) است که ساختار و چینش مباحث و استدلال‌های آن تا حدود فراوانی شبیه اصول عقاید مرحوم مظفر است. کتاب نظم خاصی در ارائه مطالب ندارد، بلکه در خلال بیان اصول عقاید (توحید عدل نبوت امامت و معاد) به عقاید مختصه شیعه اشاره شده است.

نویسنده در بخشی از کتاب با عنوان «الامام الثانی عشر محمد بن الحسن المنتظر علیه السلام» به نقل روایات در مورد آن حضرت و مباحث مربوط از منابع شیعه و اهل سنت پرداخته است. اگرچه بخش قابل توجهی از روایات نقل شده در این کتاب از منابع شناخته شده و معتبر است؛ شماری از روایات از منابع ناشناس و یا غیر معتبر است و طبعاً سبب تأمل در این دست روایات شده است.

استاد نجم الدین طیبی، از علمای معاصر در مورد برخی روایات این کتاب موضع گرفته است و صدور چنین روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام که کلام او دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق است، را بعید دانسته است و در مورد منابع روایت تأکید کرده که این روایت در کتاب‌های قدما و متأخران و متأخر متأخران نیست و فقط مرحوم زنجانی (متوفای ۱۴۲۰ ق) آن را در کتاب عقاید الامامیه، نقل می‌کند و ایشان نیز از جزء دوم کتاب «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، تألیف عبد المنعم کاظمی و او نیز از یک مجله عرفانی لبنانی و مجله مذکور نیز آن را از کتاب الجفر، تألیف راشد حدرج، نقل کرده است.<sup>۱</sup>

۱. طیبی، درس خارج مهدویت، ۹۶/۱۲/۰۷.

این روایت، هم از لحاظ متن قوی نیست و از لحاظ سند هم به کتاب جفر امام علی علیه السلام نسبت داده شده است؛ در حالی که جفر جزء مواریث ائمه علیهم السلام می‌باشد و در دسترس کسی جزء امام معصوم علیه السلام نیست.

البته از این دست روایات و تطبیق آن بر پدیده‌ها و شخصیت‌های معاصر، در این کتاب فراوان به چشم می‌خورد؛

– **ماذا قال علی علیه السلام عن آخر الزمان، علی عاشور:** کتاب ماذا قال علی علیه السلام عن آخر الزمان (الجفر الاعظم)، اثر سید علی عاشور، مجموعه‌ای است از سخنان امام علی علیه السلام در مورد آخر الزمان، فتنه‌های آن، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نشانه‌های ظهور ایشان که به زبان عربی نوشته شده است. نکته قابل تأمل و دقت در این کتاب، تطبیق‌هایی است که بدون هیچ ضابطه و دلیلی صورت گرفته است و نیز نقل از منابع ناشناخته و احياناً بی اعتبار؛

– **۲۵۰ علامه حتی ظهور الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه** این کتاب اثر سید محمد علی طباطبایی حسنی است. بررسی‌ها در مورد شخصیت و زندگی‌نامه وی چندان به نتیجه نرسید که این خود اعتبار اثر مذکور را مورد تأمل قرار می‌دهد.

از ویژگی‌های کتاب‌شناختی اثر، آنچه در کتاب دیده می‌شود، فقط نام ناشر است که در آن با عنوان «مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر» مشخص شده و به هیچ‌یک از شاخصه‌های لازم برای آشنایی دقیق‌تر با کتاب اشاره‌ای نشده است؛ ضمن این که در نشانی اینترنتی داده شده برای ناشر، اطلاعات قابل قبولی یافت نشد.

بررسی و مرور همه آثار یاد شده، از نمونه‌های روشنی از دگرگونی در روایات حکایت دارد.

اگرچه در زمینه بررسی دگرگونی در روایات مهدویت به‌طور عام و به مناسبت در برخی مباحث، آثاری مانند: *دراسة فی علامات الظهور و الجزیرة الخضراء*، نوشته سید جعفر مرتضی‌عاملی؛ *موسوعه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه* (تاریخ غیبت صغرا، تاریخ غیبت کبرا، تاریخ پس از ظهور)، نگاشته سید محمد صدر، تدوین شده است؛ نگارنده نیک بر این باور است کارهای حدیثی بسیاری انجام شده است که در آن‌ها، اختلاف نسخه‌ها و کاستی‌ها و اضافات روایات هم بررسی شده‌اند؛ مانند کتاب‌هایی که از درس خارج استاد طبسی چاپ شده‌اند و نیز مقالاتی که در این زمینه به چاپ رسیده‌اند؛ اما به‌طور



مشخص با عنوان یادشده به بررسی نقش این دگرگونی‌ها، کم‌تر بررسی و پژوهشی صورت پذیرفته است و فقط در مباحث مربوط روایات، به صورت کلی نکاتی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در ادامه نمونه‌هایی از دگرگونی‌هایی که در آموزه‌های اساسی مهدویت نقش داشته و آن‌ها را از مقصود معصوم علیه السلام دور کرده‌اند؛ حال چه به‌طور عمد و چه به سبب تسامح در نقل روایات پدید آمده‌اند، بازنمایی می‌شوند؛ بر این مبنا که در بهره‌مندی از سخنان معصومان علیهم السلام به ناگزیر می‌بایست تا جای امکان از تصرف و تغییر در آن‌ها پرهیز کرد.

### الف) برخی تغییرات آگاهانه در آموزه‌های بنیادین

برجسته‌ترین نمود دگرگونی‌های عامدانه را می‌توان در تحریف روایات مهدویت دانست. این تحریف‌ها البته به انگیزه‌هایی صورت گرفته است، مانند انگیزه‌های سیاسی، انگیزه‌های فرهنگی و دینی، انگیزه‌های اقتصادی و نیز انگیزه‌های دین‌ستیزی.

### برخی از برجسته‌ترین نمودهای تحریف:

#### - تحریف در نسب حضرت

البته در باره تحریف در نسب حضرت مهدی علیه السلام آثار ارزشمندی سامان یافته، در حد بایسته بدان پرداخته شده است. از آن‌جا که این مقاله در پی تحلیل بحث نیست تا تکرار آن‌ها به شمار آید؛ فقط به بازنمایی نقش این دگرگونی در ایجاد آسیب در یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های مهدوی، به اشارتی بسنده خواهد شد.

مخالفان اهل بیت علیهم السلام و کسانی که امام مهدی علیه السلام را فرزند امام عسکری علیه السلام نمی‌دانند، بیش‌تر بر این پندارند که پدر ایشان «عبدالله» نام دارد. آن‌ها در این زمینه با تمسک به سخنانی تغییر یافته چنین باوری را پیدا کرده‌اند؛ یعنی دگرگونی در روایاتی که فقط به همانمی آن حضرت با پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده بودند و البته با افزوده‌ای به آن مبتنی بر این که پدر مهدی موعود علیه السلام همانم پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

نعیم بن حماد در بیش از پنج مورد روایاتی را نقل کرده که در آن افزوده "اسم ایبه اسم ابی" آمده است: در دو مورد با نقل از: ابی الطفیل،<sup>۱</sup> در دو مورد از عبد الله<sup>۲</sup> و در یک مورد بدون ذکر سند.<sup>۳</sup> از دیگر کتاب‌های اهل سنت، البیان فی أخبار صاحب الزمان عجل الله فرجه است که نویسنده، پس از نقل روایت اشاره کرده که ابو داوود آن را ذکر کرده است و در بیش‌تر گزارش‌های حافظان و ثقات از کسانی که اخبار را نقل کرده‌اند، آمده است: «اسمه اسم ابی». وی پس از اشاره به این که «واسم ایبه اسم ابی» زیاد شده است؛<sup>۴</sup> در دو صفحه پس از آن می‌نویسد: و غیر از عاصم از زر که او عمرو بن مرة از زر است، همه این‌ها روایت کرده‌اند: «اسمه اسمی»: مگر آنچه از عبیدالله بن موسی از زائده از عاصم نقل شده که در آن آورده است «و اسم ایبه اسم ابی» و هیچ خردمندی تردید ندارد که این زیاد اعتباری ندارد؛ در جایی که این بزرگان بر خلاف آن اتفاق دارند و خداوند آگاه است.<sup>۵</sup> علامه شوشتری بر این باور است که منصور دوانیقی عبارت «و اسم ایبه اسم ابی: نام پدرش نام پدر من است» را بر خبر افزوده است؛ زیرا وی قصد داشت روایاتی را که از رسول خدا ص در مورد حضرت مهدی عجل الله فرجه رسیده است، بر فرزندش تطبیق کند.<sup>۶</sup> اما از منابع شیعی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، از منابعی است که برخی روایات اهل سنت در مهدویت را برای صیانت از این روایات نقل کرده است. وی در چند نوبت روایت یادشده را نقل کرده است.<sup>۷</sup> اربلی پس از یکی از نقل‌ها به طور روشن بخش «اسم ایبه اسم ابی» را افزوده دانسته است. و پس از نقل دیگری اشاره کرده است که ابوداوود و برخی از بزرگان فقط «اسمه اسمی» را نقل کرده‌اند.<sup>۸</sup>

بررسی‌ها نشان می‌دهند که ابی داوود در نقل دیگری حدیث یاد شده را بدون افزوده آورده است.<sup>۹</sup> ترمذی در صحیح خود همین حدیث را دو بار از دو طریق بدون زیادی مذکور نقل کرده و حدیث را

۱. نعیم بن حماد، القتن، ۲۵۸ و ص ۲۶۰.

۲. همان، ص ۶۰.

۳. همان، ص ۵۲۷.

۴. شافعی، البیان فی أخبار صاحب الزمان، ص ۴۸۳.

۵. همان، ص ۴۸۵.

۶. شوشتری، الاخبار الدخيلة، ص ۲۳۰.

۷. اربلی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۳۸، ۴۴۳، ۴۵۷، ۴۷۶، ۹۴۱، ۹۷۱، ۹۷۳ و ۹۷۶.

۸. همان، ج ۲، ص ۹۴۲.

۹. همان.

از لحاظ سند حسن و صحیح دانسته است.<sup>۱</sup> احمد بن حنبل حدیث را در کتاب خود پنج بار با پنج سند بدون زیادی آورده است.<sup>۲</sup>

ابونعیم در حلیه الاولیاء، حدیث را بدون زیاده ذکر کرده است.<sup>۳</sup> خطیب بغدادی نیز حدیث را بدون زیاده نقل کرده است.<sup>۴</sup> و به طور مجموع از میان ۳۱ تن از راویان بزرگ حدیث، سی نفر از آن‌ها بدون زیاده نقل کرده‌اند.

برخی از پژوهشگران احادیث مهدویت تحت اشراف استاد طبسی، یادآور شده‌اند که امام احمد، ترمذی و دیگران از حافظان احادیث، حدیث مورد بحث را تا «اسمه اسمی» و بدون آن افزوده، روایت کرده‌اند و حافظ ابو نعیم اصفهانی برای این حدیث بیش از سی طریق یاد کرده است که این افزوده در هیچ یک از آن‌ها نیست. پس اطمینان می‌شود که این افزایش کار شخصی به نام «زائده» است؛ کسی که اهل جرح و تعدیل او را تضعیف کرده و گواهی داده‌اند که او به حدیث می‌افزوده است.<sup>۵</sup>

### - مهدی از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام

این بحث اساسی همانند بحث پیشین فراوان مورد بررسی قرار گرفته و در این جا نه به بررسی آن و نه به پاسخ به شبهه برآمده از آن، که فقط به نقش دگرگونی پدیدآمده در آن، در ایجاد آسیب و انحرافی اساسی در آموزه مهدویت اشاره خواهد شد.

از باورهای بنیادین شیعه امامیه در باره مهدی موعود علیه السلام آن است که آن حضرت از فرزندان حسین بن علی علیه السلام به نه واسطه است. در روایاتی از امام حسین علیه السلام آمده است: «مهدی نهمین از فرزندان من است.»<sup>۶</sup>

سلمان فارسی می‌گوید:

[روزی] بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم؛ در حالی که حسین علیه السلام بر زانوی ایشان نشسته بود و پیامبر صلی الله علیه و آله چشمان و لب‌های او را می‌بوسید و می‌فرمود: «أَنْتَ سَيِّدُ بَنِي سَيِّدِ أَنْتَ إِمَامٌ بَنِي إِمَامٍ أَبَوَالْإِئِمَّةِ أَنْتَ حُجَّةٌ بَنِي حُجَّةٍ أَبُو حُجَجٍ تَسَعَةَ مِنْ صُلْبِكَ تَأْبِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛ تو، آقا و فرزند

۱. ترمذی، سنن، ج ۴، ص ۵۰۵.

۲. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۳۰ و ۴۴۸.

۳. اصفهانی، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۴، ص ۳۸۸.

۴. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۸۸.

۵. گروهی از نویسندگان، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۶. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۳۰، ص ۳۱۷، ح ۳.

آقایی. تو، امام و فرزند امامانی. تو، حجت و فرزند حجت و پدر نه حجت از صلب خود هستی. نهمین آنان قائم ایشان است.<sup>۱</sup>

به رغم انبوه روایات در این زمینه، برخی اخبار عامه با دگرگونی در شماری از احادیث، این نکته عنوان شده است که مهدی عجل الله تعالی فرجه از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام است.

از این سخنان می‌توان به روایتی اشاره کرد که بررسی‌ها حاکی از آن است که کلمه «حسین» به «حسن» تغییر یافته است. در این روایت می‌خوانیم: «ابی وائل گوید: علی علیه السلام نگاهی به حسن علیه السلام کرد و فرمود: این پسر بزرگوار است؛ همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود. به زودی از صلب او مردی همان پیامبران خروج خواهد کرد...»<sup>۲</sup>

برخی از پژوهشگران حوزه مهدویت این دگرگونی را به روشنی ملاحظه کرده و بر این باورند که جزری شافعی (متوفای ۸۳۳ ق) این حدیث را به اسناد خود از ابو داوود نقل کرده است و در آن نقل به جای «نام حسن علیه السلام»، «نام حسین علیه السلام» آمده است.<sup>۳</sup>

به روشنی دگرگونی به‌ظاهر ساده‌ای، همه آموزه را به آسیب و انحرافی بزرگ دچار کرده است.

### ب) برخی تغییرات غیر عامدانه

در این میان، برخی از دگرگونی‌ها ممکن است غیر عامدانه صورت گرفته باشد.

نمود غیر عامدانه بودن، بیش‌تر ممکن است در نقل به معنا، تصحیف و یا تقطیع، ایجاد شده باشد. از این غیر عامدانه‌ها برخی ممکن است تغییر اساسی در معنا و مفهوم سخن داشته و آسیب بزرگی در پی داشته باشد؛ مانند آنچه در برخی نسخه‌های نهج البلاغه و کتاب‌های روایی بر حدیث امام علی علیه السلام رخ داده است؛ هر چند به زعم نگارنده احتمال عامدانه‌بودن را نیز بعید نیست.

سخن از این قرار است که امام امیرمؤمنان علی علیه السلام در یکی از کلمات کوتاه خود در مورد حکمت احکام این‌گونه فرموده است: **فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشِّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ... وَ الْإِمَامَةَ نِظَاماً لِلْأُمَّةِ؛** خداوند ایمان را سبب پاک‌شدن از شرک و نماز را سبب پاکیزگی از خودبزرگی بینی و... امامت را سبب نظام امت قرار داد ...<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۷.

۲. مقدسی شافعی سلمی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۴۵.

۳. جزری، أسمى المناقب فی تهذیب أسنی المطالب، صص ۱۶۵ - ۱۶۸ و عمیدی، در انتظار ققنوس، ص ۱۰۷.

۴. حلوانی، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۴۶۹.

این سخن در برخی نقل‌های نهج البلاغه که به قلم برخی از دانشمندان اهل تسنن نگارش یافته (از جمله صبحی صالح) این‌گونه نقل شده است: «وَالْأَمَانَةُ نِظَامًا لِلْأُمَّةِ»؛<sup>۱</sup> یعنی حفظ و نگهداری امانت دیگران، نظام امت است. این، در حالی است که ابن ابی الحدید معتزلی در شرحی که نگاشته، شرح کلمه «امامت» را آورده است.<sup>۲</sup> همچنین در نگاشته‌های شیعی، چون نهج البلاغه فیض الاسلام و شهیدی<sup>۳</sup> «الامامه» آمده است.

گفتمنی است که اگرچه تمیمی آمدی، در غرر الحکم و درر الکلم «الامانه» نقل کرده است؛ پژوهشگر این نوشته در تصنیف غرر الحکم، آن را به صورت «الامامه» دانسته: «وَالْإِمَامَةُ نِظَامًا لِلْأُمَّةِ وَالطَّاعَةَ تَعْظِيمًا لِلْإِمَامَةِ»؛<sup>۴</sup> و نیز آقا جمال خوانساری در شرح خود بر غرر الحکم و درر الکلم، کلمه یادشده را «الامامة» دانسته است.<sup>۵</sup>

به نظر می‌رسد دگرگونی در نقل اهل سنت عامدانه است.

از دیگر روایاتی که دگرگونی‌های فراوانی در آن رخ داده است (اگر چه در آموزه‌های اساسی مهدویت نقشی ندارد اما سیمای قیام جهانی مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَعْدَةُ الرَّسُولِ را مخدوش می‌کند) روایتی است که برخی اوضاع پس از قیام مهدی موعود را ترسیم کرده است. این روایت نخستین بار در کتاب الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، از مفضل بن عمر، از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ این‌گونه نقل شده است:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْجِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكِهِ حَتَّى يُؤَلَّدَ لَهُ أَلْفُ ذَكَرٍ لَا يُؤَلَّدُ فِيهِمْ أَنْثَى وَ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتُهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ چون قائم ما قیام کند، زمین روشن و تابناک می‌شود که مردم از پرتو خورشید بی‌نیاز می‌شوند و تاریکی از میان می‌رود، در پادشاهی او، مردان چنان عمری طولانی دارند که برای ایشان هزار پسر متولد می‌شود که دختری در میانشان نباشد و زمین گنجینه‌های خود را اشکار کند؛ به طوری که

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۵۱۲.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۸۶ و ۹۰.

۳. شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۴۰۲ و خوبی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۴۵۷.

۴. آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۷۷.

۵. خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۴۵۷.

مردم آن‌ها را بر روی زمین می‌بینند و در آن هنگام شخصی در جست و جوی کسی بر می‌آید که زکات اموال خود را به او بدهد و هیچ کس را نمی‌یابد که از او بپذیرد و این به آن سبب است که همه مردم از فضل خداوند متعال بی‌نیازند.<sup>۱</sup>

پس از آن، طبری در دلائل الإمامة، با این تفاوت‌ها روایت را نقل کرده است:

– اضافه «وَصَارَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَاحِدًا»: شبانه‌روز یکی شود؛

– تغییر «يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ» به «عَاشَ الرَّجُلُ فِي زَمَانِهِ أَلْفَ سَنَةٍ»: مرد در آن زمان هزار سال زندگی می‌کند؛

– تغییر «يُولَدُ لَهُ أَلْفٌ دَكْرٍ لَا يُولَدُ فِيهِمْ أَنْثَى» به «يُولَدُ لَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ غُلَامٌ، لَا يُولَدُ لَهُ جَارِيَةٌ»: در هر سال پسری برای او زاده می‌شود و برای او دختر زاده نمی‌شود؛

– اضافه «يَكْسُوهُ الثَّوْبُ فَيَطُولُ عَلَيْهِ كُلَّمَا طَالَ، وَ يَتَلَوَّنُ عَلَيْهِ أَى لَوْنٍ شَاءَ»<sup>۲</sup>: لباسی که می‌پوشد هرچه او بزرگ می‌شود لباس نیز بزرگ می‌شود و به هر رنگی بخواهد، در می‌آید. البته این که بدانیم این دگرگونی‌ها به دست نویسندگان و یا راویان صورت گرفته است، چندان ارزش ندارد. مهم آن است که روایت مفضل بن عمر در دو کتاب با هم، این‌گونه ناهمسان نقل شده‌اند؛  
گفتنی است که شیخ طوسی نیز روایت را در کتاب الغيبة، با این تفاوت‌ها نسبت به ارشاد، نقل کرده است.

– تغییر «اسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ دَهَبَتِ الظُّلْمَةُ» به «اسْتَعْنَى النَّاسُ»: مردمان بی‌نیاز می‌شوند؛

– از «وَتُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا» به بعد نیامده و به جای آن «يُنْبَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدٌ لَهُ أَلْفُ بَابٍ...»<sup>۳</sup> آمده است.

فتال نیشابوری در روضة الواعظین و بصيرة المتعظین نیز روایت را با تغییراتی دیگر نقل کرده است:  
– تغییر «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» به «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهَا»: در این تغییر، بدیهی است که روشن شدن زمین به نور پروردگارش، با روشن شدن آن به نور خودش تفاوتی اساسی دارد؛

۱. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲. طبری، دلائل الامامة، ص ۴۴۱.

۳. طوسی، کتاب الغيبة، ص ۴۶۸، ح ۸.

تعبیر «طَلَبَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ» به «يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ فَصِيلُهُ بِمَالِهِ»؛ در این تغییر نیز معنای روایت متفاوت خواهد شد. در تعبیر نخست، مقصود آن است که مرد با مالش صله‌ای بدهد؛ در حالی که در تعبیر دوم، معنا چندان روشن نیست؛

اربلی در کشف الغمة «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ» آورده است.<sup>۲</sup>

البته گویی برخی نیز به تلخیص روایت اقدام و آن را این‌گونه نقل کرده‌اند: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام إِذَا قَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ وَ دَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَ اسْتَعْنَى النَّاسُ عَنِ الشَّمْسِ وَ عَمَّرَ الرَّجُلُ حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفَ ذَكَرٍ وَ أَظْهَرَتِ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَطْلُبَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاةَ مَالِهِ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا.<sup>۳</sup> گفتنی است که سید محمد صدر در سه جا از کتاب خود روایت را نقل کرده است؛ اما در هر سه جا پس از «بنور ربها» با قرار دادن سه نقطه تا «و تظهر الارض» را حذف کرده است.<sup>۴</sup>

به بیان دیگر، افزون بر مخالفت روایت با آیاتی که در مورد نقش خورشید در نظام هستی وارد شده است؛<sup>۵</sup> با مشاهده و تجربه نیز سازگاری ندارد؛ چراکه خورشید، طلوع و غروب آن ملاک بسیاری از عبادات و مناسک است و دیگر این‌که به راستی هزار فرزند پسر که در میان آن‌ها دختری نباشد با کدام منطق سازگاری دارد؟ این پسرها پس از رسیدن به سن ازدواج با چه کسی ازدواج خواهند کرد؟! نمونه دیگر حدیثی که دست‌خوش برخی دگرگونی‌ها شده خطبه‌ای است از امیرمؤمنان عليه السلام که حضرت، در آن، به برخی فتنه‌های پس از خود و اضمحلال بنی امیه اشاره کرده‌اند. در نقل‌های گوناگون این خطبه، به روشنی دگرگونی‌هایی به چشم می‌خورد. این روایت نخستین بار در کتاب سلیم بن قیس نقل شده که در بخشی از آن این‌گونه آمده است:

«يُفْرَجُ اللَّهُ [الْبَلَاءَ] بِرَجُلٍ مِنْ بَيْتِي كَانْفِرَاجِ الْأَدِيمِ [مِنْ بَيْتِهِ ثُمَّ يَرْفَعُونَ إِلَيَّ مِنْ] يَسُومُهُمْ خَسْفًا وَ يَسْقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُضْبِرَةٍ وَ لَا يُعْطِيهِمْ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُمْ إِلَّا السَّيْفَ هَزْجًا هَزْجًا يَحْمِلُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ حَتَّى [تَوَدَّ] قُرَيْشٌ بِالذُّنْيَا وَ مَا فِيهَا أَنْ يَرُونِي مَقَامَ وَاحِدٍ فَأُعْطِيَهُمْ وَ أَخَذَ مِنْهُمْ بَعْضَ مَا قَدْ مَنَعُونِي وَ أَقْبَلَ مِنْهُمْ بَعْضَ مَا يَرِدُ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَقُولُوا مَا

۱. قتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ۲۶۴

۲. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۴۶۴.

۳. نباطی، الصراط المستقیم إلى مستحقی التقدیم، ج ۲، ۲۵۳.

۴. صدر، تاریخ پس از ظهور، ص ۶۲ و ۴۶۸.

۵. انعام؛ ۹۶؛ یونس؛ ۵ و لقمان؛ ۲۹.

هَذَا مِنْ قُرَيْشٍ لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ قُرَيْشٍ وَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَحِمْنَا يُعْرِيه اللَّهُ بِنِي أُمِّيَّةَ فَيَجْعَلُهُمْ  
تَحْتَ قَدَمَيْهِ وَ يَطْحَنُهُمْ طَحْنَ الرَّحَى؛ خداوند، به سبب مردی از خانه ما، بلا را بر طرف  
می کند، چون کندن پوست از بدن، [از خانه اش سپس بلند می کند به کسی] که آن ها را  
ذلیل می کند و به آنان جام زهر آگین می نوشاند و به آنان همواره جز شمشیر چیزی نمی دهد  
و شمشیر بر دوش نهاده و هشت ماه به شدت مبارزه می کند تا آن که قریش دوست دارند  
دنیا و هر آنچه را در آن است بدهند تا مرا ببینند. ... تا آن که می گویند: این شخص از قریش  
نیست؛ زیرا اگر از قریش و از فرزندان فاطمه بود، بر ما ترحم می کرد! ...»<sup>۱</sup>

در این سخن با توجه به عبارات پیشین، به طور مشخص حضرت برخی حوادث پس از خود در زمان  
بنی امیه را پیشگویی کرده اند و البته تطبیق آن بر بحث های مهدویت مشکل می نماید؛ اما پس از  
آن، در کتاب الغارات، (زبان عربی، نوشته ابواسحاق، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی کوفی  
اصفهانی، متوفای ۲۸۳ هجری و مشتمل بر بیان غارت هایی که بعد از جنگ نهروان، توسط معاویه،  
به قلمرو امیر المؤمنین، علی علیه السلام صورت گرفته است)؛ به عنوان نخستین روایت با دو تفاوت اساسی  
این گونه درج شده است:

«ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُفَرِّجُ الْفِتْنَ بَرَجْلٍ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ كَتَفْرِيجِ الْأَدِيمِ بِأَبِي ابْنِ خَيْرَةَ الْإِمَاءِ  
يَسُومُهُمْ حَسْفًا وَ يَسْقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُّصَبَّرَةٍ فَلَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَرْجًا هَرْجًا يَضَعُ السَّيْفَ  
عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ وَدَّتْ قُرَيْشٌ عِنْدَ ذَلِكَ بِالدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لَوْ يَرَوْنِي مَقَامًا وَاحِدًا قَدَرُ  
حَلْبٍ شَاةٍ أَوْ جَزْرٍ جَزُورٍ لِأَقْبَلِ مِنْهُمْ بَعْضَ الَّذِي يَرِدُ عَلَيْهِمْ حَتَّى تَقُولَ قُرَيْشٌ لَوْ كَانَ هَذَا  
مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَرَحِمْنَا فَيُعْرِيه اللَّهُ بِنِي أُمِّيَّةَ فَيَجْعَلُهُمْ مَلْعُونِينَ...»<sup>۲</sup>

نخست «من بیتی» به «منا اهل البيت» تبدیل و آن گاه تعبیر «بأبي ابن خيرة الإمام» افزوده شده  
است.

نعمانی پا را فراتر نهاده، با تفسیر «ابن خيرة الإمام»، به «القائم من ولده»، همان روایت را در کتاب  
خود این گونه آورده است: «بأبي ابن خيرة الإمام يعنى القائم من ولده ع يسومهم حسفاً و يسقيهم

۱. هلالی، کتاب سلیم بن قیس الهملائی، ج ۲، ص ۷۱۵.

۲. ثقفی، الغارات، ج ۱، ص ۹.



بِكَأْسٍ مُّصَبَّرَةٍ وَلَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ هَزْجاً فَعِنْدَ ذَلِكَ تَتَمَنَّى فَجَرَّةٌ فَرِيشٍ لَوْ أَنَّ لَهَا مَفَادَةً مِنَ الدُّنْيَا  
وَمَا فِيهَا لِيُغْفَرَ لَهَا لَا نَكُفُّ عَنْهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.»<sup>۱</sup>

پس از این نقل‌ها، سید رضی بخش‌هایی از این خطبه را در نهج البلاغه، این‌گونه نقل کرده است:  
«...ثُمَّ يُفَرِّجُهَا اللَّهُ عَنْكُمْ كَتَفْرِيحِ الْأَدِيمِ بِمَنْ يَسُومُهُمْ حَسْفاً وَ يَسُوقُهُمْ عُنْفاً وَ يَشْقِيهِمْ بِكَأْسٍ مُّصَبَّرَةٍ  
لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُجْلِسُهُمْ إِلَّا الْخَوْفَ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَدُّ فَرِيشٌ بِالدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا لَوْ يَرُونَنِي مَقَاماً  
وَاحِداً وَ لَوْ قَدَرَ جَزْرٌ جَزُورٍ لِأَقْبَلِ مِنْهُمْ مَا أَطْلُبُ الْيَوْمَ بَعْضَهُ فَالَا [يُعْطُونَنِيهِ] يُعْطُونَنِيهِ.»<sup>۲</sup>

با این تفاوت اساسی که دیگر سخن از کسی از اهل بیت عليه السلام نیامده و با تعبیر «بمن»، آن کس را  
«ناشناس» معرفی کرده است.

این نقل را البته دانشمندان پرشماری در آثار خود پس از آن آورده‌اند؛ مانند حر عاملی در کتاب اثبات  
الهداه بالنصوص و المعجزات، ج ۳، ص ۴۷۵؛ مجلسی در بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۱۷؛ صدر الدین صدر  
در کتاب المهدی، ص ۳۷ و مهدی حمد فتلاوی در نهج الخلاص، ص ۳۶۹.

در این میان، نعیم بن حماد روایت را با برخی تغییرات دیگر این‌گونه نقل کرده است:

«يُفَرِّجُ اللَّهُ الْفِتْنَ بَرَجُلٍ مِّنَّا يَسُومُهُمْ حَسْفاً لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ يَضَعُ السَّيْفَ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ  
هَزْجاً حَتَّى يَقُولُوا: وَ اللَّهُ مَا هَذَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ لَوْ كَانَ مِنْ وُلْدِهَا لَرَحِمْنَا يُعْرِيهِ اللَّهُ بَنِي الْعَبَّاسِ وَ بَنِي  
أُمِّيَّة.»<sup>۳</sup> ملاحظه می‌شود که برجسته‌ترین تغییر افزودن «بنی امیه» در آخر سخن است و در پی آن،  
سید بن طاووس در نقلی، همان روایت الفتن را نقل کرده است.<sup>۴</sup>

با توجه به محتوای کلی خطبه حضرت، می‌توان گفت حضرت در این سخن به روشنی در مورد بنی  
امیه مطالبی را بیان فرموده و تصریح کرده‌اند که ما اهل بیت از آن فتنه‌ها برکنار هستیم و دعوت‌کننده  
مردم نیستیم. سرانجام خداوند آن فتنه‌ها را از شما جدا می‌کند.

اگرچه بسیاری از دگرگونی‌های حاصل در روایت‌ها سبب تغییر جدی در مفهوم و مقصود روایت  
نمی‌شود، گاهی تفاوت نقل یک حدیث به‌گونه‌ای است که سبب از بین رفتن انسجام درونی در متن

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۲۹.

۲. شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۱۳۸.

۳. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۴۵.

۴. سید بن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۴۰.

آن می‌شود، و سرانجام به دیدگاه‌های ناهمگون در برخی موضوعات برجسته منجر می‌گردد و سرانجام آسیب‌های جدی به دنبال خواهد داشت که خود دشواری‌هایی را پدید می‌آورد.

## نتیجه گیری

با توجه به رواج دگرگونی در احادیث مهدویت در دوره‌های گذشته و نیز معاصر، بررسی آن‌ها برای پرهیز از افراط و تفریط امری بایسته می‌نماید.

روشنگری بر پدیده تغییر در احادیث با بازنمایی تأکید بر آن‌ها؛ در پیشگیری از آسیب‌ها و درمان آن و نیز بهره بهتر از این روایات سودمند است.

از آن‌جا که دگرگونی در روایات، همواره دستاویز و اسباب پیدایش نحله‌ها و فرقه‌های مذهبی بوده و امروزه یکی از شبهات علیه مهدویت همین روایات تغییر یافته می‌باشند؛ بایستگی بررسی این پدیده را دوچندان کرده است.

آفت هرچیز مانع رشد آن است و دگرگونی‌های غیرقابل اغماض در روایات مهدویت، سبب جلوگیری از نشر این معارف می‌شود. از این رو بدیهی است که یکی از گام‌های برجسته در زمینه ارائه مفاهیم اصیل مهدویت، شناسایی و درمان این آسیب و آفت است.

## منابع

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۸ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، مؤسسه صاحب الامر، قم، ۱۴۱۶ق.
۳. احمد بن حنبل، مسند احمد، دار صادر، بیروت، بی تا.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة عليهم السلام، مکتبه بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۵. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۹.
۶. آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶.
۷. جزری دمشقی، محمد، أسمى المناقب فی تهذیب أسنی المطالب، بی تا، بی نا، بی تا.
۸. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه عليهم السلام، انصاریان، قم، ۱۴۲۳ق.
۹. حلوانی، حسین بن محمد، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، مدرسه الامام مهدی عليه السلام، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۰. خوانساری، محمد بن حسین، شرح غرر الحکم و درر الکلم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶.
۱۱. خوئی، میرزا حبیب الله هاشمی، منهج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۰ق.
۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، مترجم، سید جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸.

۱۳. شوشتری، محمد تقی، **الاجبار الدخیله**، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۴۰۱ق.
۱۴. صدر، سید محمد، **تاریخ الغیبة الصغری**، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۵. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، **کمال الدین وتمام النعمة**، مترجم، محمد باقر کمره‌ای، اسلامیة، تهران، ۱۳۷۷.
۱۶. \_\_\_\_\_، **عیون اخبار الرضا** علیه السلام، جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۱۷. صفری فروشانی، نعمت الله، **حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایة الکبری**، طلوع، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۱۶.
۱۸. طبری، محمد بن جریر بن رستم، **دلایل الامامة**، مؤسسه البعثة، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۹. طبسی، نجم الدین، **تا ظهور**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۸۸ش.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن، **کتاب الغیبة**، موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۱. عاملی، جعفر مرتضی، **جزیره خضرا در ترازوی نقد**، مترجم، محمد سپهری، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، قم، ۱۳۷۷.
۲۲. عمیدی، ثامر هاشم حبیب، **در انتظار ققنوس، کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری**، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۷.
۲۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن بن علی، **روضه الواعظین و بصیره المتعظین**، انتشارات رضی، قم، بی تا.
۲۴. گروهی از پژوهشگران، **معجم احادیث الامام المهدی** علیه السلام، موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.

۲۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.

۲۶. مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۳ق.

۲۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

۲۸. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، محقق، عبد الفتاح محمد الحلو، انتشارات نصایح، قم، ۱۴۱۶ق.

۲۹. نجاشی، احمد بن علی بن احمد بن عباس، رجال نجاشی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.

۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، مترجم سید احمد فهري، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۲.

۳۱. نوری، حسین بن محمد تقی، نجم ثاقب در احوال امام غایب عجل الله تعالی فرجه، مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۴.

۳۲. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المضية، چاپخانه خیام، قم، ۱۴۰۱ق.

۳۳. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، الهادی، قم، ۱۴۰۵ق.